

گپ و گفتی با اسماعیل امینی، استاد دانشگاه و پژوهشگر درباره ادبیات دینی قهرمانان دینی را گاهی می توان بین مردم عادی یافت

مریم شهزادی خبرنگار

«این که ادبیات دینی را تنها به تألیف آثاری درباره پیامبران و انمه یا از سویی مناسک و اتفاقات تاریخی محدود بدانیم تصور اشتباهی است. نوشتن درباره آن ناوانویی که کاغذی روی دیوار چسبانده که: «اگر پول همراه خودت نیاورده‌ای صلواتی بردار» یا راننده‌ای که به‌رغم گرفتاری‌های مالی از خیر کرابه بعضی مسافرانش می‌گذرد چیزی جز ادبیات دینی است؟

داوود فتحعلی بیگی کارگردان و پژوهشگر تئاتر در گفت‌وگو با «ایران»:

هنرمند باید اهل علم و اندیشه باشد

محسن بوالحسنی خبرنگار

نوشتن واثری را بر صحنه شریف نمایش بردن، آن هم با نگاهی به زندگی انمه‌اطهار کاری است به‌ظاهر ساده اما در عمل بسیار دشوار و پر از وسواس و حساسیت. چهره‌های کمی بوده‌اند که آثاری در این حوزه یعنی حوزه آثار نمایشی آیینی و مذهبی ساخته‌اند و تعداد این آثار آنچنان کم است که هنوز می‌توان خلأ متن‌ها و نمایش‌ها و فیلم‌های درخشان را در این‌بخش حس کرد. داوود فتحعلی بیگی کارگردان و پژوهشگر تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» از طرحی می‌گوید که سال‌هاست در ذهن دارد و براساس زندگی و البته اندیشه‌های حضرت فاطمه(س) است. او درباره این طرح و دلیل روی کاغذ نیامدنش می‌گوید: «سال‌هاست که در ذهن خود به طرح‌هایی درباره زندگی و زمانه حضرت فاطمه زهرا(س) فکر می‌کنم و مترصد آن هستم که زندگی این بزرگوار را از زاویه‌ای درست به روایت بنشینم و چنین کاری ملزوماتی دارد که نمی‌شود پی گذارویک شبه به آن رسید.باید تحقیق و تفحص درستی روی زمانه و شخصیت ایشان انجام شود. درواقع آنچه در ذهن من است مسأله حضور آن حضرت در خنایه است که مرکز اتفاقات سیاسی جامعه روزگار خود است. زنی که پدرش پیغمبر خدا (ص) و همسرش حضرت علی(ع) است و ایشان در دیاری که با زنان مدینه دار آینده اسلام را به‌شکلی پیش‌بینی می‌کنند که این مسأله در آینده و بعد از مسائل خلافت عثمان کاملاً محقق می‌شود.» او در ادامه به جزئیات چشم‌اندازی که در این طرح دنبال می‌کند اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این فرمایشات حضرت فاطمه زهرا(س) به این نکته تأکید می‌کنند که جامعه اسلامی به تبع انتخاب شدن امام علی(ع) به چه سمت و سوسمای مخربی خواهد رفت و اگر علی جانشین شود وضعیت چگونه خواهد شد؛ و این دقیقاً همان چیزی است که با انتخاب عثمان اتفاق می‌افتد و پیش‌بینی حضرت، کامل و دقیق محقق می‌شود. او می‌دانست که بعد از علی عده‌ای فرصت‌طلب روی کار خواهند آمد و سرنوشت دین اسلام را با چالش‌هایی مواجه خواهند کرد که به‌عنوان مثال یکی اش به واقعه عاشورا می‌رسد و به‌شهادت رساندن فرزند پیامبر و بارانش. اینها برای من در دام مهم است. اتفاقاً از همین جا هم می‌توان موضوع را به حوزه‌های دیگر بسط داد.» فتحعلی بیگی مسأله و اندیشه آن حضرت را به امروز هم گره می‌زند و معتقد است: «امروز برخی فقط برای هدف‌های خاصی به‌سمت ساخت و روی صحنه بردن آثار مذهبی پایش می‌گذارند.» او می‌گوید: «این فرصت‌طلب‌ها همیشه در همه جای تاریخ وجود دارند و بزرگان و اهل اندیشه و آگاهی که شرایط زمانه را به‌لحاظ سیاسی و اجتماعی می‌دانند همیشه از راه‌های اشتباه جامعه را بر حذر داشته و هشدار داده‌اند و اگر به هشدارهای آنها توجهی نشده، جامعه با چالش‌هایی بزرگ روبه‌رو شده است. این یک بخش از لحاظ اندیشگی است که برای من در نمایش مهم است و بخش دیگر آن است که نمی‌شود چنین کارهایی را به دست هر کسی داد تا آنها هم فرصت‌طلب‌هایی شوند که فقط به دلیلی مناسبتی، قصد می‌کنند به دلائل مادی و... رازی روی صحنه بیاورند و اغلب این کارها عاری از ارزش‌های فنی و محتوایی است و حتی خارج از شأن بزرگان دین ما.» کمتر کارگردانی است که حرف از فیلم با تئاتر در حوزه زندگی بزرگان دین اسلام به میان بیاورد و نامی از بهرام بیضایی نیاورد. فتحعلی بیگی هم اینگونه از اندیشه بیضایی تجلی می‌کند: «اگر بیضایی «روز واقعه» را می‌سازد و چنین شاهکاری را به سینمای ایران هدیه



بعد از رحلت پیامبر، بسیار سوگواری کرد و مظلومیت به‌حق ایشان می‌گویند و شهادت‌شان. این تنها یک بخش است. بخش مهم دیگری هم وجود دارد که حضرت فاطمه(س) را برای ما به‌عنوان شخصیتی آگاه، با دانش و مسلط بر روزگار خویش معرفی می‌کند. او در نشست‌ی که گفته شد با زنان مدینه دارد خط و مثنی اسلام را با به خلافت رسیدن همسرش علی ابن ابیطالب، ترسیم می‌کند و جامعه را درباره آینده جامعه اسلامی می‌هشدار می‌دهد و در نهایت هم همان می‌شود که ایشان پیش‌بینی کرده‌اند. پس وقتی می‌خواهیم این بخش از زندگی ایشان را پرداخت کنیم باید برویم و به‌خوبی تاریخ را بخوانیم و شرایط اجتماعی سیاسی آن زمان را مطالعه کنیم. زنی که در منزل پیامبر رشد و پرورش پیدا کرده که مهم‌ترین نهاد و مرکز تصمیم‌گیری و سیاست بوده است و مگر می‌شود چنین زنی صبرتی در خور آن خانه و جایگاه نداشته باشد؟ مسلمانا دارد و در آثار مختلف به این صحنه پرد و در بارش این تحقیق و پژوهش شده است. و یکی از کتاب‌هایی که درباره ایشان می‌خواندم از همین دیدار با زنان مدینه، شاهد مثال تاریخی آورده و وقتی به عمق داستان می‌رویم متوجه می‌شویم که بیضیاشات حضرت فاطمه(س) در این دیدار نشان از صبریت و آینده نگری‌شان و عمق اندیشه‌شان و البته شناخت بالا از مسائل روز جامعه‌شان.»

به گفته اسماعیل امینی به نظر می‌رسد نویسندگان و شاعران باید با نگاهی تازه و متناسب با مخاطبان امروز به سراغ این بخش از ادبیات بروند. او در همین زمینه به «ایران» می‌گوید: «برخی تعریف‌های ما از ادبیات دینی به قدری بازنگری نیاز دارد، به‌متأسفانه اغلب ما تصور می‌کنیم تنها داستان‌ها و اشعاری دینی محسوب می‌شوند که به‌وضوح درباره مسائل و شخصیت‌های مرتبط با آن صحبت می‌کنند. در همین حین اگر اثری مرتبط با مهربانی یا زیبایی‌های جهان یا حتی رفتار انسانی نوشته شده باشد آن را اثر دینی به‌شمار نمی‌آوریم.»

این پژوهشگر ادبیات نهن تنها ادبیات دینی، بلکه دیگر مضامینی را که به قصد اشاعه عمومی نوشته می‌شوند وقتی موفق‌تر می‌داند که غیرمستقیم

عرضه شوند و می‌گوید: «اغلب اوقات ناوانویی مان در جذب مخاطب را به حساب این می‌گذاریم که آن‌قدر از فلان موضوع گفته و نوشته‌شده که جامعه اشباع شده، عقیده‌ای که با آن موافق نیستم. همین امروز هم نویسندگان و شاعران جوان بسیاری هستند که با نگاهی مبتکرانه به سراغ خلق آثاری با چنین کارکردهایی می‌روند.»

او معتقد است که می‌توان دایره تعریف این بخش از ادبیات را قدری گسترده‌تر کرد، چراکه مواردی همچون رفتارهای منطقی بر اخلاق، انسان‌دوستی و... همگی انعکاسی از تعالیم دینی هستند. امینی ادامه می‌دهد: «در اغلب مواردی که اهالی ادبیات به‌دنبال انتقال مضامین موردنظر خود به مخاطبان هستند انتقال غیرمستقیم تأثیر بیشتری دارد.

بوده است. قدیمی‌ها در این باره درست می‌گفتند. اگر چهره‌ای از امیرالمؤمنین(ع) می‌کشیدند می‌گفتند تمثال مبارک. یعنی شبیه به آن شخصیت یعنی مثل. در نتیجه برای این‌گونه کارها هم بهترین حرف همان تمثال است. نباید این‌گونه فکر شود که این است و غیر از این نیست.

■ **یعنی تخیلی که بر مبنای واقعیت است به کار برده‌اید؟**

بله. اصل کار یک واقعیت است. تصور کنید میزاستنی است که بازیگر، نور و همه چیز در آن است. این کارگردان است که از چه زاویه‌ای انتخاب می‌کند، ما اصل کار را می‌دانیم که چه اتفاقی افتاده با بیست درصد هم امکان خطا با وجود طول زمان تاریخی هم که گذرانده‌ایم. من روایتی را کار نگرده‌ام که مستند از قول اهل بیت نباشد. اگر روایتی راجع به امان‌نامه‌ای که برای حضرت عباس(ع) آورده‌اند، کار کردم، این مستند از قول اهل بیت است. چون نمی‌توانم حرفی بزنم که فردا نتوانم جواب آن را بدهم. در دنیا سختی ای ندارد. مثل آتش اش که خیلی نمی‌سوزاند. پوست را می‌سوزاند. این‌طور نیست که هر بار بسوزاند و زنده‌ات کند و دوباره بسوزاند. در نتیجه بقیه دنیا هم این‌گونه است. سختی‌هایش خیلی جانکاه نیست.

■ **تابلوهایی مثل اصحاب کنسای شما خیلی با مخاطب هم‌ذا پنداری می‌کنند. همیشه مخاطب در ذهنش عیبی داشته و می‌خواهد یک‌دنگ چکونه**

پنج تن آل عبا در زیر یک عبا کنار هم نشسته‌اند.

من هم همین را می‌خواهم. از اهل بیت حدیث و روایت داریم. در قرآن هم به اهل بیت اشاره داریم. مخاطب ما بعد از هزار و چند صد سال فقط نمی‌تواند در موح لجنی که در جامعه جهانی و فضای مجازی هست، به روایت توسل پیدا کند. روایت عالی است. درجه یک است اما یک چیز دیگر برای تقارب بیند. توسلش نیاز دارد. چیزی نیاز دارد که تصویری ببیند. چقدر باید آقای میربازیقری زحمت بکشد؟ ۴ سال یا ۱۰ سال یک سریال بسازد. بقیه هم می‌توانند کارهای کم هزینه‌تر و سریع‌تر انجام دهند.

■ **برخی تابلوهایشان برای مخاطب خیلی ملموس‌تر است. و هم‌ذا پنداری آن برای مخاطب بیشتر است. مثل بلند کردن در خیر توسط امیرالمؤمنین(ع).**

شاید دلایش این است که از ذهن یک آدم بیرون آمده است. داستان خبر این است که دشمنان حضرت می‌آمدند و می‌گفتند یا علی تو که تا آن جوی خورده و قوت نداشتی که این در را بلند کنی و به‌گونه‌ای می‌خواستند به حضرت کنایه بزنند. امیرالمؤمنین(ع) فرمودند من با قدرت جسمانی این در را بلند نکردم. در نتیجه فتح در خیر یک اتفاق هادی نیست ولی

ما برای اینکه مخاطب مان بفهمد، خودمان اول باید بفهمیم. از دید کوتاه خودمان نگاه می‌کنیم.

■ **تابلوی امیرالمؤمنین(ع) هم همین‌طور است. یک تابلوی کوچک، در گوشه این نمایشگاه، اما پر از حرف است. آدم را به کوچ‌های کوفه می‌برد. همان ناشناسی که در تاریکی شب می‌برد شام یثیمان عرب. آیا مخاطبان هم همین نظر را دارند؟** من مخاطبان با محبتی دارم که نمی‌دانند این محبت به صاحب کارها مربوط است نه من. چیزی از آن من نیست. تمام آدم‌هایی که به اینجا می‌آیند و حرف می‌زنند اگر نقاشی بلد بودند، بهتر از من نقاشی می‌کردند. مثل زبان می‌ماند. شما به کشور خارجی می‌روید و خیلی هم سخنورید اما زبان نمی‌دانید. یکی هم زبان می‌داند ولی دست و پا شکسته حرف می‌زند و شما فکر می‌کنید که چقدر بلد است. من هم همین‌طور زبان تصویر بلدمن نه خیلی فصیح بلکه الکن.

■ **به نقاشی هایتان چه نمره‌ای می‌دهید؟**

یازده هم نه. ۱۰ می‌دهم. آن‌هم با ارفاق. به‌عنوان یک شاگرد می‌گویم و چون می‌دانم معلم خیلی باامرام

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران فرصت‌ها



درباره مسائل دینی هم اینگونه است و اگر به شکل صحیحی منتقل شود اتفاقاً خواهان زیادی هم دارد، چراکه نمی‌توان کسی را پیدا کرد که به فرض از اخلاق‌مداری یا مهربانی خوشش نیاید!» امینی در پاسخ به اینکه با چه راهکارهایی می‌توان نسل امروز را بیش‌ازپیش متوجه ادبیات دینی کرد، ادامه می‌دهد: «برای پاسخ این سؤال قبل از اهالی کتاب باید به سراغ مسئولان آموزشی و حتی مدیران رسانه‌ها رفت. حتی اگر فرض کنیم تمام آثار مذکور با سطح کیفی و محتوای استاندارد نوشته می‌شود تا قبل از آنکه جذابیت مطالعه به مخاطبان چشاندۀ شود نمی‌توان انتظار استقبال آنان از هیچ کتابی را داشت. بنابراین در وهله نخست باید ضرورت کتابخوانی و

به بهانه برگزاری نمایشگاه «آل علی علیهم السلام» **حسن روح‌الامین** نقاش مذهبی در گفت‌وگویی اختصاصی با «ایران» مطرح کرد

نقاشی‌های مذهبی پلی است بین روایت و توسل

مریم سادات گوشه خبرنگار

نامش با نقاشی‌های مذهبی عجین شده است. او حسن روح‌الامین است. از جوانان هنرمندی که در بین هم نسلانش خوش درخشید. او که فارغ التحصیل رشته نقاشی است، فعالیتش را به‌صورت برگزاری نمایشگاه از سال ۸۲ آغاز کرد و اکنون با اینکه ۳۵ سال دارد، به‌عنوان هنرمندی شناخته می‌شود که نقاشی‌هایش تکنیک خاص خود را دارد و به نوعی سبک و سیاق کارهایش همانند سبک کلاسیک نقاشان اروپایی است. همین ویژگی اوست که آثارش را از هنرمندان نسل قدیم نقاشی‌های مذهبی و قهوه‌خانه‌ای متمایز کرده است. با اینکه او از سال ۸۵ دانش در لیست جایز جشنواره تجسمی فجر و مسابقات بین‌المللی ادیان توحیدی قرار گرفت و به‌خاطر فروش بالای مجموعه عصبان دوجندان شد. تابلوی او با قیمت پانچ ۲۰ میلیون تومان، ۲۸۰ میلیون تومان گشخ خورد و نام او به‌عنوان هنرمند شگفتی ساز حراج دوازدهم تهران ثبت شد. او بجز کشیدن تابلوهای مذهبی، تابلوی معروف شهید محسن حججی و نیز سردار قاسم سلیمانی را هم به‌تصویر کشیده است. این بار نیز حسن روح‌الامین با نمایشگاه «آل علی علیهم السلام» در فرهنگسرای نیاوران ۱۴ آثار ارائه در مورد اهل‌بیت دارد. تابلوی دیوار برده است. آثاری از واقعه عاشورا و امان‌نامه حضرت ابوالفضل العباس(ع) در قطع بزرگ که مخاطب را یاد‌های از آن‌ریک روایت تاریخی به درون داستان می‌برد. تابلوی معروف «حدیث کسا»، اولین‌در این نمایشگاه است. نمایشگاهی در سه طبقه با تابلوهایی که بعضاً حال و حال درونی مخاطب را به‌تصویر کشیده است به‌گونه‌ای که با آن بخوبی تاریخ اهل بیت را وقایع ناب آن در ذهن مرور می‌کند. گفت‌گوی حاضر باحسن روح‌الامین در مورد نحوه گرایش او به این نوع نقاشی، تحلیل آثارش و نیز مباحثی چون حراج تهران و تکنیک آثار او در بین هنرمندان هم‌نسل اوست که باهم می‌خوانیم.

انسان انرژی‌اش را برای چه کسی باید خرج کند که بپازد. بعضی‌ها عمرشان را صرف کارهای بیپوده می‌کنند.

■ **منتقدان معتقدند که وجه تمایز آثار شما با آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای مثل چلیپا و سایر استادان این نقاشی این است که از تکنیک سبک کلاسیک اروپایی در آثارتان کار برده‌اید، باسختان چیست؟** قبول دارم. ما اگر بخوایم کاری انجام دهیم، ابزار برای کارمان نیاز داریم. نمی‌تویم این ابزار کجا ساخته شده است؟ ایران ساخته، یا اروپا. برای بیان آثار چه تکنیکی جواب می‌دهد؟ تکنیک نقاشی چینی جواب می‌دهد؟ یا تکنیک های دیگر. شما مر ز را در ذهنتان پاک کنید. اینجا ایران است، چین است ...

■ **بجز چند دهه قبل که یکسری نقاشی‌های قدیم مذهبی توانستند وارد حراج تهران شوند، تاکنون دیگر نقاشی‌های مذهبی نداشتیم...**

من هم در این حراج نقاشی مذهبی و انقلابی ندادم. دو دوره شرکت کردم که مجموعه عصبانم در آن بود. اسب بود.

■ **با اینکه حراج سال گذشته جوان ترها هم به این حراج راه یافتند، اما تا پیش از آن جوان ترها کمتر توانستند وارد حراج تهران شوند، چطور آثارتان به حراج تهران راه پیدا کرد؟**

حراج تهران دو بخش دارد یکی در دی ماه و یکی هم در تیرماه است. در تیرماه برای استادان و درگذشتگان



«طلا و مس»

مستقیم. در «پرواز در شب» (رسول ملاقلی‌پور) مستقیم به واقعه عاشورا و شهادت حضرت عباس(ع) اشاره می‌شود. فیلمساز، دفاع مقدس را به باورهای معنوی و مذهبی پیوند می‌زند و با ادای احترام به فرهنگ شهادت و ایثار، چهره‌ای قهرمانانه از رزمندگان ارثانه می‌دهد. در «مهاجر» (ابراهیم



«روز واقعه»

که به سختی می‌توان درباره آن فیلم ساخت. قصه رحمان (بابک حمیدیان) و چالش‌های اخلاقی درباره مرددی که هر کدام حقیقت را فدای مصالح خود کرده‌اند و سرنوشت او را تغییر داده‌اند، بخوبی بستری فراهم می‌کند تا مضامین مذهبی و اخلاقی در فیلم مطرح شود، البته نه به شکلی شعاری و



«خیلی دور خیلی نزدیک»

هستند که مذهب را به جامعه امروز پیوند می‌زنند و در جذب مخاطب هم موفق هستند. محمدمهدی عسگریور در فیلم به یادماندنی «قدمگاه» ماجرای انتظار و فرهنگ شیعی را به تصویر کشیده است. فیلم او یکی از بهترین آثار مذهبی است که غیرمستقیم به موضوعی می‌پردازد

سینمای مذهبی در ایران، با آنچه در دیگر کشورها بویژه

بالیوود در جریان است، تفاوت دارد. اساس آنچه در سینمای مذهبی ایران حاکم است، در ستایش مفاهیم مذهبی و دینی و احترام به همه ادیان الهی و پیامبران و پیروان آنها است. سینمای ایران مملو از آثاری است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مضامین معنوی و

«فرهنگی» «سینمای مذهبی» از آن دست تعاریفی است که با وجود تلاش برای تبیین و شناساندن آن، تعریف جامعی درباره‌اش وجود ندارد. همان‌طور که نمی‌توان به سادگی مصداقی برای «سینمای ملی» پیدا کرد، اما پیدا نشدن تعریفی روشن و واضح، درباره سینمای مذهبی به این معنا نیست که چنین آثاری وجود ندارد.